

زیستن در توزیع الهی تثلیث الهی توسط قانون روح حیات در رومیان ۸

مطالعه متون مقدس: رومیان ۸: ۲، ۱۰، ۶، ۱۱، ۲۸-۲۹؛ ۱۲: ۱-۲

۱. کلید پیروزمند بودن، قانون روح حیات در رومیان ۸ است، فصلی برای جویندگان عاجز - ۷: ۲۴ - ۸: ۲، ۲۸-۲۹؛ مزامیر ۱۰۵: ۴:

آ. رومیان ۷ تجربه «در جسم» بودن است. رومیان ۸ تجربه «در روح» بودن است (روح الهی که در روح انسانی ما ساکن است و این دو با هم آمیخته شده اند تا یک روح باشند) - آ. ۴، ۹-۱۰، ۱۶؛ ۱ قرنیتان ۶: ۱۷؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۲۲.

ب. مسرت بردن از قانون روح حیات در رومیان ۸ ما را به واقعیت بدن مسیح در رومیان ۱۲ می رساند؛ این قانون وقتی که در بدن و برای بدن زندگی می کنیم در درون ما عمل می کند - ۸: ۲، ۲۸-۲۹؛ ۱۲: ۱-۲، ۱۱؛ فیلیپیان ۱: ۱۹.

۲. رومیان ۸ تمرکز کل کتاب مقدس و مرکز عالم است؛ از این رو، اگر ما در حال تجربه رومیان ۸ باشیم، در مرکز عالم هستیم:

آ. خدا از ازل قصد ورود به درون مردم بازخرید شده خود را داشت تا بتواند حیات آنها باشد و تا آنها بتوانند ابراز جمعی او باشند؛ این تمرکز اقتصاد خداست - افسسیان ۱: ۳-۵.

ب. انسان مرکز خلقت خداست، زیرا قصد خدا این است که از طریق انسان ابراز شود؛ انسان فقط با ورود خدا به درون انسان برای اینکه حیات و محتوای انسان باشد و انسان را با او یک کند تا انسان توسط او زندگی کرده و حتی او را زیست کند، می تواند ابراز خدا شود؛ به این ترتیب خدا از درون انسان ابراز می شود.

پ. زکریا ۱۲: ۱ می گوید: «وحی کلام خداوند... که آسمانها را گسترانید و بنیاد زمین را نهاد و روح انسان را در اندرون او ساخت»:

۱. روح انسان با آسمانها و زمین رتبه بندی می شود زیرا روح ما مکانی است که خدا مایل است در آن ساکن شود - افسسیان ۲: ۲۲؛ ر.ک. ۲ تیموتائوس ۴: ۲۲.

۲. آسمانها برای زمین است، زمین برای انسان است، و انسان توسط خدا با یک روح برای تماس با خدا، دریافت خدا، پرستش خدا، زیستن خدا، تحقق مقصود خدا، و یک بودن با خدا، آفریده شد.

ت. تمرکز اصلی در عالم این است که خدای سه یکتای پروسه دیده به درون ما آمده است و اکنون در ما ساکن است؛ این بزرگترین معجزه است؛ هیچ چیز دیگری در عالم نمی تواند مهمتر از این باشد - اشعیا ۶۶: ۱-۲؛ یوحنا ۱۴: ۲۳؛ ۱۵: ۴.

ث. ما همه باید سرشار از شادی باشیم زیرا خدای سه یکتا در ما ساکن بوده و با ما یک است؛ او حیات و شخص ما می باشد، و او ما را خانه خود می سازد - افسسیان ۳: ۱۴-۱۷.

ج. خدای سه یکتا از طریق جسم پوشیدن، مصلوب شدن، رستاخیز و صعود پروسه دیده است تا تبدیل به قانون روح حیات شود که در روح ما به عنوان یک قانون «علمی»، یک اصل خودکار، نصب شده است؛ این یکی از بزرگترین اکتشافات، حتی بازیابی ها، در اقتصاد خداست - رومیان ۸: ۳-۲، ۱۱-۱۰، ۳۴، ۱۶.

چ. روح حیات، روح خدا، روح مسیح، خود مسیح، و روح ساکن در درون در رومیان ۸: ۲، ۹-۱۱ همگی به روح مرکب که حیات می بخشد اشاره دارد - ر.ک. خروج ۳۰: ۲۲-۲۵؛ فیلیپیان ۱: ۱۹؛ ۱ قرنیتان ۱۵: ۴۵ ب:

۱. در عبارت «روح خدا»، «روح» و «خدا» در مقابل هم قرار داشته، نشان می دهد که روح و

خدا یک هستند - رومیان ۸: ۹.

۲. به همین ترتیب، «روح مسیح»، «روح او که عیسی را از مردگان برخیزانید»، و «روح حیات» در رومیان ۸ نشان می دهد که روح، مسیح است، آن که رستاخیز کرده و حیات است؛ بنابراین، از آنجا که روح در ما ساکن است، هر سه از خدای سه یکتا به عنوان حیات در ما است - آ.آ. ۹، ۱۱، ۲.

۳. روح در رومیان ۸، روح شامل تمام به عنوان تکامل نهایی و دست یافتن، کاربرد، خدای سه یکتا به ما است.

۴. خدای سه یکتا به عنوان روح شامل تمام در درون ماست تا با برگرفتن او به عنوان حیات و شخصمان، او را تجربه کرده و از او مسرت ببریم؛ ما ظرف خدای سه یکتا هستیم - ۲ قرن تیان ۷: ۴.

ح. وقتی که خداوند را با ایمان آوردن به او دریافت کردیم، او به عنوان قانون روح حیات عمل کرد تا خود را به عنوان حیات الهی و خلق نشده خدا (یونانی *zoe* [زویی]) به درون روح ما توزیع کند. ما همه باید این مکاشفه بزرگ را ببینیم که حداقل یک بخش از وجود ما، یعنی روحمان، زویی است. وقتی که ذهن خود را بر روح می گذاریم، ذهن ما که نماینده روان ماست، تبدیل به زویی می شود. همچنین، زویی می تواند از طریق عملکرد قانون روح حیات، در بدن فانی ما نهاده شود؛ از این راه، ما در تمام وجود سه بخشی خود به انسان های زویی تبدیل می شویم تا به شهر زویی، اورشلیم نو، مبدل شویم - مکاشفه ۲۱: ۶؛ ۲۲: ۱-۲، ۱۴.

خ. در نهایت، این حیات ما را آماده خواهد کرد تا عروس مسیح باشیم، که باعث بازگشت خداوند شده و ما را به عصر بعدی خواهد رساند. به این دلیل تمرکز حیاتی کتاب مقدس و عالم در رومیان ۸ است.

۳. رومیان ۸ آشکار می کند که خدای سه یکتای پروسه دیده به عنوان قانون روح حیات، حیات الهی را برای زیستن ایمانداران، به آنها می دهد؛ این تجربه توزیع الهی تثلیث الهی است - آ.آ. ۲، ۱۰، ۶، ۱۱، ۲۹-۲۸:

آ. خدای سه یکتای پروسه دیده به عنوان روح حیات بخش که در روح ما نصب شده است را می توان به برق تشبیه کرد؛ عمل خدا به عنوان قانون «برق» الهی در درون ما مستلزم همکاری ماست تا این قانون را با دعا «روشن کنیم» - کولسیان ۴: ۲؛ افسسیان ۶: ۱۷-۱۸؛ ۱ تسالونیکیان ۵: ۱۷؛ ر.ک. متی ۲۴: ۲۷ (رجوع شود به دو جمله آخر زیرنویس ۱).

ب. در حالی که ما از طریق دعا در ارتباط با خداوند باقی مانده و در روحمان با او در تماس هستیم، قانون روح حیات به طور خودکار، خود به خود و بدون تلاش در درونمان کار می کند - عبریان ۱: ۱۱، ۶-۵؛ ۲ قرن تیان ۴: ۱۳؛ متی ۸: ۳، ۱۵؛ ۹: ۲۰-۲۱، ۲۹؛ ۱۴: ۳۶؛ ۱۷: ۷؛ ۲۰: ۳۴؛ یوحنا ۴: ۲۳-۲۴؛ فیلیپیان ۲: ۱۲-۱۳؛ رومیان ۸: ۲، ۴، ۶، ۱۳-۱۶، ۲۳؛ ۱ تسالونیکیان ۵: ۱۶-۱۸.

پ. معنای دعا این است که خدا را جذب کنیم؛ هر چه بیشتر با خدا تماس بگیریم، بیشتر او را جذب می کنیم؛ و هر چه بیشتر او را جذب کنیم، بیشتر از او به عنوان نور و نجاتمان مسرت می بریم - ۲ پادشاهان ۱۹: ۳۰؛ اشعیا ۳۷: ۳۱؛ متی ۶: ۶؛ ۶: ۶؛ مزمیر ۱۱۹: ۱۵:

۱. داوود در مزمور ۲۷: ۱ می گوید: «خداوند نور من و نجات من است». او با مشاهده خدا به عنوان زیبایی، با خدا تماس داشته و او را جذب کرد (آ. ۴). از این رو، او روشن شد و دروناً نجات را دریافت کرد.

۲. سرودی هست که می گوید: «همین گونه که هستم» (سرود ۱۰۴۸)؛ این بدان معناست که ما باید همین گونه که هستیم، بدون تلاش برای بهبود یا تغییر وضعیت خود، نزد خدا آییم. ما مسیح را از این طریق دریافت کردیم، و باید در مسیح به این طریق گام برداریم - کولسیان ۲: ۷-۶.آ.

۳. دعا کردن به معنای آمدن نزد خداوند، همین گونه که هستیم، است. وقتی نزد خداوند می آییم، باید وضع درونی خود را در برابر او قرار داده و به او بگوییم که ما در هر موردی کوتاه هستیم؛ حتی اگر ضعیف، گیج، غمگین و گنگ باشیم، هنوز هم می توانیم نزد خدا آییم. صرف نظر از وضعیت درونی ما، باید آن را به خدا آوریم.

۴. به جای اهمیت دادن به وضعیت خود، باید در حضور خدا وارد شویم تا توسط نگاه کردن به او، نگرستن بر او، ستایش او، شکرگزاری از او، پرستش او، و جذب او، با او تماس بگیریم؛ سپس ما از غنای خدا مسرت برده، شیرینی او را می چشیم، او را به عنوان نور و قدرت دریافت کرده، و دروناً آرام، روشن، قوی و توانمند خواهیم بود؛ آنگاه درس در ارتباط ماندن با او در زمان خدمتگزاری کلام به مقدسین را خواهیم آموخت - ۱ پطرس ۴: ۱۰-۱۱؛ ۲ قرنتیان ۲: ۱۷؛ ۱۳:۳.

ت. معنای دعا همچنان ابراز خدا توسط ما است؛ در مزمور ۲۷: ۴ داوود می گوید که او نه تنها می خواست زیبایی یهوه را ببیند، بلکه همچنان «در هیكل [معبد] او تفکر» کند. پرس و جو [تفکر] این است که اجازه دهیم خدا در درون ما صحبت کند تا کلماتی که در دعا به او گفته می شود، در واقع سخن خدا، عبارات خدا، در درون ما باشد.

۱. دعای واقعی، آمدن ما به خدا، اجازه دادن به سخن خدا در درون ما، و آنچه خدا گفته است را به او بازگو کردن است: «دل من به تو می گوید (که گفته ای): روی مرا بطلبید. / بلی روی تو را ای خداوند خواهم طلبید» (آ. ۸).

۲. وقتی که ما واقعاً خدا را لمس کرده، با او تماس داشته و او را جذب می کنیم، او در درون ما سخن خواهد گفت؛ سپس ما طبق گفتار درونی او دعا خواهیم کرد؛ دعا کردن، رفتن نزد خدا، ملاقات با او، نزدیک شدن به او، گفتگو با او، و جذب اوست تا او دروناً با ما صحبت کند؛ وقتی که نزد او با سخنان او به ما دعا می کنیم، دعای ما ابرازگر خداست - یوحنا ۱۵: ۷.

۳. طی جنبه اول دعای خود، ما وارد مشارکت با خدا می شویم، که سپس ما را با بار قلبی خود برای کار مسح کرده و قصد خود را به ما آشکار می کند. جنبه دوم دعای ما این است که با درخواست از خداوند در مورد اراده او و بار قلبی او برای کار، از او پرس و جو کنیم؛ سپس با هماهنگی با خدا جهت همکار خدا بودن، مقصود دعا را برآورده می کنیم - اشعیا ۶۲: ۶-۷؛ ۴۵: ۱۱؛ حزقیال ۲۲: ۳۰؛ دانیال ۹: ۲-۴؛ ۱ سموئیل ۱۲: ۲۳؛ ۱ قرنتیان ۳: ۹؛ ۲ قرنتیان ۶: ۱۱.

۴. دعاها پرس و جو کننده، خدا را حرمت می نهد. داوود می دانست که چگونه دعا کند زیرا اغلب از یهوه پرس و جو می کرد (۱ سموئیل ۲۲: ۱۰؛ ۲۳: ۲، ۴؛ ۳۰: ۸؛ دوم سموئیل ۲: ۱؛ ۵: ۱۹، ۲۳)؛ پس از اینکه خدا به داوود از طریق ناتان نبی سخن گفت، داوود «به حضور خداوند نشست» (۷: ۱۸) و به خداوند گفت: «بر حسب آنچه گفتی، عمل نما» (آ. ۲۵ب)؛ او سپس به خداوند گفت که به دلیل سخنان او، «بنده تو جرأت کرده است که این دعا را نزد تو بگویم» (آ. ۲۷).

ث. ما باید با خدای ساکن در درون، نصب-شده، خودکار و عمل کننده درونی به عنوان قانون روح حیات، از طریق گفتگو با او برای حفظ مشارکت خود با او، همکاری کنیم - رومیان ۱۰: ۱۲-۱۳؛ پیدایش ۱۳: ۱۸؛ ۱ تسالونیکیان ۵: ۱۷؛ افسسیان ۶: ۱۷-۱۸؛ فیلیپیان ۴: ۵-۷، ۱۲-۱۳؛ مزامیر ۶۲: ۷-۸.

۴. وقتی به حس درونی روح توجه می کنیم، قانون روح حیات در درون ما فعال می شود؛ رمز زندگی مسیحی ما که همه ما باید بیاموزیم در رومیان ۸: ۶ یافت می شود، که مهمترین آیه در کتاب مقدس مربوط به تجربه روحانی ما از مسیح به عنوان قانون روح حیات است - «تفکر جسم موت است، لکن تفکر روح حیات و سلامتی [آرامش] است»:

آ. تفکر جسم به معنای جانبداری از جسم، همکاری با جسم، و ایستادن با جسم است؛ تفکر روح به معنای مراقبت از روح، جانبداری از روح، همکاری با روح، و ایستادن با روح، یعنی توجه کردن به روحمان است - ملاکی ۲: ۱۵-۱۶.

ب. وقتی به حس درونی روح توجه کرده، حس درونی حیات و آرامش را دنبال می‌کنیم، خداوند را به عنوان سر بدن، برای حرکت منحصر به فرد او، حرمت می‌نهیم. پولس رسول در خدمت انجیل، اسیر مسیح بود، کسی که با محیط بیرونی خود حکمرانی نمی‌شد، بلکه با این [حکمرانی می‌شد] که آیا «در روح خود آرامی» داشت یا نه (۲ قرن‌تیا ۲: ۱۳)؛ روح او برترین بخش وجودش بود، و او تحت سلطه روح آمیخته خود بوده، توسط آن حکمرانی و هدایت می‌شد، و حرکت کرده و رهبری می‌شد (۱ قرن‌تیا ۲: ۱۵؛ رومیان ۸: ۱۶؛ ۱ قرن‌تیا ۶: ۱۷؛ ۲ قرن‌تیا ۲: ۱۴-۱۲؛ ۲: ۱۲-۱۴؛ ۷: ۵-۶).

۵. در نهایت، زیستن ما در توزیع الهی تثلیث الهی توسط مسرت از قانون ساکن و خودکار روح حیات، در بدن مسیح و برای بدن مسیح است با این هدف که ما را برای به انجام رساندن هدف اقتصاد جاودان او [خدا] - اورشلیم نو - در حیات، طبیعت و ابراز ولی نه در هستی خدا، خدا سازد - رومیان ۸: ۲، ۲۸-۲۹؛ ۱۲: ۱-۲؛ ۱۱: ۳۶؛ ۱۶: ۲۷؛ فیلیپیان ۱: ۱۹؛ ر.ک. غلاطیان ۱: ۱۵-۱۶؛ ۲: ۲۰؛ ۴: ۱۹، ۲۶-۲۸، ۳۱.